

مقالاتی پیرامون اسلام و تاریخ هند

• حسین مطیعی امین

Essays on Islam and Indian History ■ مقالاتی پیرامون اسلام و تاریخ هند
Richard M. Eaton ■ ریچارد ام. ایتون
Oxford ■ آکسفورد



گرفت؟ چگونه می‌توان سهم مسلمانان در این تأثیر خارق‌العاده را شرح داد؟ آنچه در این کتاب گرد آمده است، پاسخ به این گونه سؤالات است.

فصل اول کتاب حاضر با عنوان «تاریخ نگاری» در پنج مقاله طبقه‌بندی شده است. در مقاله اول با عنوان «تاریخ اسلامی به مثابه تاریخ جهان» مایکل آداس^۱ به سؤالات بالا پاسخ می‌گوید و موضوعات پیرامونی را در دو گروه طبقه‌بندی می‌کند: ۱. مقالات تاریخی، که چگونگی ساختار اندیشه تاریخ‌نگارانه را بررسی کرده و سؤالات تاریخی درباره جوامع هندی را پاسخ می‌دهد؛ ۲. مطالعات و پژوهش‌هایی که از پنجاه سال قبل پیرامون مناطق شبه قاره آغاز شده است. وی می‌گوید: «در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم به خصوص از دهه ۱۹۶۰م. دانشگاه‌های اروپا و آمریکا انقلابی در تاریخ‌نگاری را تجربه کردند که در چارچوب خردورزی قرار داشت و از همان جایی به اسلام نگاه کردند که مسلمانان به آن نگاه می‌کردند». (صص ۱۱-۱۲). دو مقوله خردورزی و روش‌مندی در

از دهه‌های نخستین ظهور اسلام، این دین بزرگ در هند مورد توجه قرار گرفت و تعامل دو تمدن و فرهنگ و دین از همان اوان آغاز شد. ورود اسلام به شبه قاره هند تحولی عظیم بر مردم آن سرزمین داشت. مسلمانان از همان آغاز به اهمیت مردم و سرزمین هند پی بردند و بزرگ‌ترین منجمان و پزشکان دهه‌های نخستین تمدن اسلامی از اهالی هند بودند. از طرف دیگر، اسلام چنان تأثیر شگرفی بر آن خطه گذاشت که بعد از گذشت چند سده شبه قاره یکی از مراکز مهم فرهنگ اسلامی شد. این نکته بسیار حائز اهمیت است که اسلام از طریق ایران و ایرانیان به هند سفر کرد و تعامل اسلامی- فارسی بود که فرهنگ اسلامی را به عنوان فرهنگ بومی هند شکل داد و شاید به جرأت بتوان گفت اسلام- عرب تأثیر و نفوذ چندانی تا دوره استعمار بریتانیا در شبه قاره نداشت، اما سؤال این جاست که این اتفاق چگونه افتاد؟ و چرا تعامل اسلامی- فارسی چنین تأثیر شگرف فرهنگی داشت که حتی از تأثیر عرب- اسلامی بر سرزمین‌های اروپایی پیشی

این گروه‌ها را در بطن تاریخ مشخص می‌کند و چرایی یا چگونگی ساختار فرهنگ مذهبی و شیوه تعامل آنان را با اسلام توضیح می‌دهد. بدین ترتیب گروهی متعصب یا غیرمتعصب، بنیادگرا و ... نامیده می‌شوند. این برجسب‌ها بر گروه‌های مختلف دینی می‌تواند موقعیت تاریخی طبقات اجتماعی و هویت آنان را روشن کند اما باید در نظر داشت که ابزارهای تحلیل برای این برجسب‌ها ناکافی است. برای مثال، برخی از گروه‌ها معتقدند که تمام ادیان جوهری یکسان دارند، اما افراد همین گروه‌ها تغییر دین می‌دهند. این مقاله مدلی برای بررسی تغییر دین ارائه می‌دهد که شامل اسلام و مسیحیت و تعامل پیروان این دو است. به نظر نویسنده موضوع تغییر دین در هند گواهی است بر تفسیر و ساختار مجدد فرهنگی و نیز این‌که معضل تاریخی با تحلیل‌های جغرافیایی قابل حل است.

عناوین این مقاله عبارت‌اند از: «دین و فرهنگ در ناگای هند»، «امپریالیسم و تغییر دین در میان ناگاها»، «مسئله آو (Ao)»، «مسئله سما (Sema)»، و «مسئله انگامی (Angami)».

مقاله سوم، با عنوان «لنزهای چند وجهی، مناظر گوناگون از سده پانزدهم کالیکوت» از لوآری سیر^۴ است. بحث این مقاله آثار سیاحان سده پانزدهم در شهر کالیکوت و زمینه‌های فرهنگی فردی سیاحان است. این سیاحان شامل چینیان، پرتغالیان، روس‌ها، و سیاحان آسیای مرکزی‌اند. علاوه بر این، تصویر مالبار را از نگاه این خارجی‌ان تحلیل می‌کند. در این مقاله رویارویی مسلمانان با خارجی‌ان و تأثیر آنان بر منطقه هند شرح داده شده است. خارجی‌ان که هر کدام با زمینه‌های فرهنگی مختلف شهر کالیکوت را پیش چشم ما توصیف می‌کنند.

پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، تاریخ‌نگاران غربی را تحت تأثیر قرار داد و روش آماری مذهبی به کار گرفته شد. طبق این روش آماری سؤالات دیگری مطرح گردید؛ مثلاً، چرا اسلام در بنگال نفوذ بیشتری دارد و حمایت‌های حکومتی از اسلام سنتی بسیار عمیق‌تر از شمال هند است؟ این بخش سعی دارد موقعیت اسلام را در متن تاریخ نشان دهد و این در حالی است که از سده هجدهم تا بیستم، خاورشناسی، اسلام و تاریخ اسلام در میان تاریخ‌نگاران راه متفاوتی را پی گرفته است. از نقطه‌نظر آمارنگاری جهان اسلام، سؤال مهم این است که آیا آسیای جنوبی می‌تواند محیطی خنثی برای فرهنگ جهان اسلام قلمداد شود یا نه؟

عناوین مورد بحث در این مقاله عبارت‌اند از: «میراث رویارویی اروپا با اسلام»، «ظهور و رشد اسلام، و تاریخ نگارانش»، «نخستین تمدن اسلامی و تاریخ جهان»، «اسلام در پهنه جهان»، و «دارالاسلام به مثابه نظامی جهانی».

مقاله دوم، با عنوان «تاریخ تطبیقی، تاریخ جهان است (تغییر کیش در هند معاصر)»^۲ در پی آن است که چگونه رهیافت‌های تطبیقی می‌تواند مکانیزم جریان توسعه جهانی را شرح دهد. خصوصاً این سؤال که چرا هر کجا اروپاییان به طور مستقیم جوامع و کشورهای غیراروپایی را استعمار کردند، در آن کشورها تغییر دین به مسیحیت رخ داد و چرا در دیگر کشورها این اتفاق نیفتاد؟ هم‌چنین این مقاله درباره تصویر اسلام یا هر دین دیگری که با اسلام جوهری واحد دارد بحث می‌کند و می‌خواهد بداند که چرا سنت‌های مذهبی اسلام در جنوب آسیا شکل و تفسیری جدید از اسلام ارائه داده‌اند. نیز این مقاله با توجه به چالش‌های مداوم گروه‌های اجتماعی در هند با آموزه‌های اسلامی، جایگاه

آن حمایت و گاهی به آنها هتک حرمت می‌کنند. عنوان این مقاله عبارت‌اند از: «نخستین اقدامات در هتک حرمت به معابد»، «تصوف، پی‌ریزی بنا»، «هتک حرمت به معابد و بناهای جدید»، «حفظ معابد و مرمت آنها»، «هتک حرمت به معابد و مرمت آنها» و «تقابل معابد و مساجد».

مقاله پنجم با عنوان «تصویری مجدد و متفاوت، نوشدارویی برای فرامدرنیسم هند»^۶ در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م. طرح‌های پژوهشی فرعی و تحولات جاری تجربیاتی را برای فرضیه‌های فرامدرنیسم و مطالعات فرهنگی ایجاد کرد. با توجه به این پیشرفت دو سؤال مطرح است: اول این که چرا ترکیب جایگاه بریتانیا - راجا در دوره هندی^۷ به طور شگرفی به فرمول پیش از استعمار، و بعد از استعمار تبدیل می‌شود؟ و سؤال دوم این که چگونه تخریب مسجد بامبری برای جزئی‌نگران فرامدرنیسم یا تاریخ‌نگاران فرااستعماری بر تاریخ پیش از مدرنیسم هند تأثیر داشت؟ این مقاله سؤالاتی درباره تمایلات معاصر در نوشته‌های تاریخ هند مطرح می‌کند. اول آن که، چگونه کسی می‌تواند پیدایی اندیشه فرامدرنیست و نقد فرااستعماری در تاریخ‌نگاری هند را برشمارد؟ دوم آن که چرا این رویارویی تاریخی رخ داده است؟ و سوم این که، چگونه دانش تاریخی هند در دوره فرااستعماری، استعمار، یا پیش از استعمار با این نقدها و مناظرات تحت تأثیر قرار گرفته است؟

مقاله در چهار قسمت قابل پی‌گیری است؛ قسمت اول، ظهور فرامدرنیسم را در نوشته‌های تاریخ‌نگاران مطرح می‌کند. قسمت دوم، روش‌شناسی فرامدرنیسم را در مکتب‌های معاصر جنوب آسیا بررسی می‌نماید. قسمت سوم، زمینه‌های مدرنیسم و ظهور پرولتاریا و رویارویی فرامدرنیسم با آن را مطرح می‌کند.

عناوین این مقاله عبارت‌اند از: «هند، جام غسل»، «کالیکوت و برخورد دیدگاه‌ها»، «چینیان در کالیکوت: ۱۴۰۶-۱۴۳۳»، «مسلمانی در کالیکوت: ۱۴۴۲»، «روس‌ها در کالیکوت: ۱۴۰۷»، و «پرتغالیان در کالیکوت: ۱۵۰۰-۱۴۹۸».

مقاله چهارم، با عنوان «بی‌حرمتی به معبد و حکومت‌های هندو - مسلمان» از دیوید گیلمارتین و بروس لورانس^۵. این مقاله بیش از آن که جدلی باشد جایگاه سیاسی دیدگاه‌های مذهبی را مطرح می‌کند. تخریب مسجد بامبری در ۱۹۹۲م. توسط فعالان هندو، پرسش‌های جدی بسیاری را به وجود آورد. برخی از آن پرسش‌ها که از جوهر تاریخی برخاسته در این بخش پاسخ داده می‌شود. مثلاً آیا معابد در دوران پیش از مدرنیسم تخریب شده‌اند؟ کی و توسط چه کسانی؟ چگونه و برای چه هدفی؟ تخریب معابد چه نقشی در مشروعیت قدرت‌های سلطنتی دوران پیش از مدرنیسم داشته‌اند؟ آیا مساجد و معابد اساساً به عنوان نماد مذهب و آثار سیاسی جایگاهی برابر داشته‌اند؟ نویسنده مطرح می‌کند که مسلمانان عاقبت به این نتیجه می‌رسند که به جای هتک حرمت معابد هندوان، آن اماکن را به اماکن مقدس مسلمانان تبدیل نمایند. هرچند که این عمل در برخی جاها عقلانی و برای برخی جاها غیرعقلانی به نظر می‌رسید؛ اما الگویی را علیه عبادات هندوان پیشنهاد می‌کرد که تا قرن سیزدهم رواج داشت. به هر حال این اعمال بازگشت به تمدن هند و تقسیم آن میان هندوان و مسلمانان بود که تا اولین دوره استعمار انگلیس بر آن جا سایه افکنده بود و به تدریج میان مکاتب ملی‌گرای هند و پاکستان رایج شد. این مقاله در پی یافتن هویت مفاهیم مختلفی است که فعالان امروزی آنها را در نظام عمومی جامعه دخالت می‌دهند و گاهی از

علی طباطبای در کتاب برهانی مآثر و رفیع‌الدین ابراهیم شیرازی در کتاب تذکره الملوک و محمد قاسم فرشته در تاریخ فرشته بررسی می‌کند و در پی آن است که چرا مدینه فاضله دکن به سقوط و انحطاط کشیده شد.

مقاله هشتم با عنوان «ادبیات عامیانه صوفیان و بسط اسلام هندی»^{۱۱} شامل شرح تلاش‌های صوفیان و گفت‌وگوهای میان اهل تصوف سرزمین دکن با ادبیات عامیانه است که بر فهم تاریخ جامعه پیش از دوران مدرن هند دلالت دارد و نقش زنان روستایی را در انتشار فرهنگ اسلامی در این منطقه روشن می‌سازد. از نظر نویسنده در دوران میانه هند صوفیان پیوند واقعی میان هندو - مسلمان را برقرار کرده‌اند. صوفیان مبلغان مذهبی نبودند و کسی را به تغییر دین ترغیب نمی‌کردند، اما روش و سخنان آنان چنان بود که باعث ترویج و گسترش اسلام در شبه قاره شد. حتی زبان و ادبیات مردم هند تحت تأثیر تصوف بود و زنان نیز در پیوند با تصوف، این آموزه‌ها را به فرزندان خود آموختند. زمزمه اشعار صوفیان توسط زنان روستایی، کودکان آن خطه را با این آموزه‌ها آشنا و زبان مادری آنان را با واژه‌های فارسی و حکمت‌های متصوفانه آموخته کرد. نویسنده در این مقاله سعی دارد شواهد مطالب بالا را در میان ادبیات عامیانه دکن نشان دهد.

فصل سوم، معرفی پنجاب با دو مقاله است. سهم صوفیان در مسلمان کردن بخش‌های عمده جامعه هند سهمی گرانقدر است که در این بخش نویسنده به این مهم توجه دارد.

در مقاله نهم، انتقال توجه صوفیه از دکن به پنجاب و تبدیل ادبیات صوفیانه به فرقه‌های متصوفانه است. یکی از این صوفیان

قسمت چهارم، زمینه‌های استعمار و مراحل استعمار را در تاریخ هند توضیح می‌دهد.

فصل دوم در سه بخش با عناوین دکن، پنجاب، بنگال به مطالعه تحریف‌های تاریخ اسلامی و اجتماعی این مناطق می‌پردازد.

بخش دکن دارای سه مقاله درباره ساختار فرهنگی فضای مذهبی دوران پیش از مدرنیسم است و نقطه آغاز آن را سده دوازدهم یعنی تصور رودخانه کریشنا به عنوان خط فاصل مسلمانان شمال و هندوان جنوب دکن فرض می‌گیرد.

مقاله ششم، با عنوان «ساختار فضای اسلامی در دکن دوره میانه» از ایبیر بیرمن^{۱۲} است. در این نوشتار نویسنده فضای جنوب هند را که ترکیبی از مسلمانان و هندوان بوده و در حمایت و پشتیبانی یکدیگر می‌کوشند تحلیل می‌کند، هر چند که زیر بنای مذهبی آنان کاملاً مجزاست. در این دوران دو قدرت در دکن وجود دارد: یک بهمنیان مسلمان و دیگری ویجیاناکرا که پادشاهان هندو هستند. تعاملات و حمایت‌های این دو قدرت از یکدیگر در این مقاله بررسی می‌شود.

عناوین این مقاله عبارت‌اند از: «خط دفاعی (Maginot Line)»^{۱۳} تاریخ‌نگاری دکن، «ساختار مشابه میان بهمنیان و حکومت ویجیاناکرا»، «فضای مذهبی و سلطنت بهمنیان»، «فضای مذهبی و پادشاهی ویجیاناکرا»، «مشابهت‌ها و تقابل‌ها».

مقاله هفتم، با عنوان «پیش‌گفتار تاریخی فیروزآباد، قصر دکن» از جرج مایکل و ریچارد ایتن^{۱۴} است. این مقاله به فضای سیاسی توجه نشان می‌دهد و مناقشات این دوره را از نگاه سید

محافظت کردند و بر همان اساس دین اسلام را نیز اولیا و پیروان مخلص آنان حفظ می‌کنند و قوانین حکومتی که برای این‌گونه مراسم مذهبی وضع می‌شود، در حقیقت حکمی صادره از طرف انسان در مقابل حکم صادره از طرف خداوند است.

عناوین این مقاله عبارت‌اند از: «مقبره مقدس و تغییر به کالای مذهبی»، «مقابر در گذر زمان و مکان»، «رابطه مقبره با جهان امروز»، «مقبره و پیوند آن با اسلام»، «مقبره و موارث بزرگ»، «مراسم مذهبی و نمادها در مقبره» و «دادگاه خدا و دادگاه انسان».

فصل چهارم با یک مقاله با عنوان «مسلمانان بنگال چه کسانی‌اند؟ تغییر دین و مسلمان شدن در بنگال» از رفیع‌الدین احمد^{۱۴} است. دلتای بنگال دومین گروه بزرگ مسلمانان را دارد. در مقابل وعظ‌های صوفیان پاک‌دل، ادبیات برهمنی هندوئیسم نیز طبقات پایین ستم کشیده را به خود جلب کرد. در این مقاله پیوند میان روستایی بودن و مسلمان شدن در دلتای بنگال میان سده‌های شانزدهم تا هجدهم میلادی، یعنی دوران قدرت مغولان در این منطقه تبیین می‌شود. تلاش نویسنده بر این است که چگونگی تفسیر مجدد بنگالیان بومی و همسانی عناصر سنت اسلامی را با عناصر پویای تمدن بیان کند و توسعه این مولود جدید را در میان کشاورزان دلتای بنگال پی گیرد. وی معتقد است که در بنگال نیز مانند همه شبه قاره هند اسلام و فرهنگ اسلامی دوشادوش فرهنگ‌های بومی و جوامع منطقه‌ای پیش رفت. در حقیقت، در سده هجدهم، اسلام در این خطه از جهان مورد توجه زیاد قرار داشت، همچنان که سراسر هند توجه زیادی به آن داشتند.

و فرقه‌هایی که صاحب اماکن مقدس شدند، فریدالدین شکرگنج معروف به بابا فرید است. این مقاله در پی آن است که جریان‌های مسلمان کردن و روستایی بودن در غرب پنجاب را بررسی کند چنان‌که هویت اسلامی، هویت این سرزمین شد.

عنوان مقاله «اقتدار مذهبی و سیاسی مقبره بابا فرید» از باربارا متکالف^{۱۵} است. نویسنده معتقد است که هر چند مقبره بابا فرید در منطقه خود نظامی فرهنگی-اسلامی بنیان نهاد، اما در آن منطقه محدود نماند و در محدوده‌ای بزرگ‌تر از یک منطقه ظهور کرد. فرقه چشتیه که بابا فرید نیز یکی از افراد آن بود، اولین فرقه متصوفه در اجمیر بود. هم‌چنین نظام‌الدین اولیا در دهلی و بابا فرید در پاکپتن، اولین مکان‌های مقدس مسلمانان در هند به شمار می‌روند. این مقابر، فرهنگی عامی را در محدوده‌ای فراتر از یک منطقه ایجاد نمودند.

مقاله دهم، با عنوان «دادگاه انسان، دادگاه خداوند؛ مشاهده‌های محلی از مقبره بابا فرید پاکپتن، پنجاب» از ریچارد مارتین^{۱۶} است. این مقاله بر اساس قانون خلع سال ۱۹۳۸م. دادگاه است که بر حسب آن مقابر مقدس برای جلوگیری از انتشار پیروان متصوفه تحت کنترل قرار گرفت. این مقاله به منظور تحلیل مدارک پیروان مقبره شیخ فریدالدین شکرگنج و رأی دادگاه است. بر اثر مشاجره و اختلاف میان متولیان مقبره وی، دادگاه در ۱۹۳۸م. رأی داد که این مقبره تحت کنترل قرار گیرد. باید توجه داشت که بابا فرید در سده سیزده میلادی می‌زیسته و امروزه، مقبره وی در پاکپتن پنجاب زیارتگاه میلیون‌ها نفر است. نویسنده در این مقاله قصد دارد، روند قانون انسانی را در کنار قانون الهی قرار دهد. وی در آغاز مقاله اظهار می‌دارد که مسیحیت را سنت‌ها و پیروان پاک

- این مقاله سعی دارد چگونگی این وضعیت را بررسی کند. به نظر نویسنده پیش از دوران مدرنیسم تغییر کیش از هندوئیسم به اسلام نمود خاصی دارد و شاید دلیل‌های عمده آن را بتوان؛ ۱. نهضت به سوی شرق که جایگزین دیدگاه‌های غربی استعماری شده، ۲. عدم همکاری قبیله‌ای در توسعه تمدن روستایی، و ۳. جنبه طبیعی توسعه جمعیت مسلمانان، دانست.
- Journal of World History 11, no.1(Spring, 2000), 57-78.
۷. دوره هندی، منظور تقسیمات دوره‌های تاریخی خاورشناسان از تاریخ سرزمین هند است. آنان تاریخ هند را به سه دوره تقسیم می‌کنند؛ دوره هندو، دوره هندو - مسلمان، دوره هند - بریتانیا. ۸. برگرفته از کتاب:
- Islam on the Margins, Irene A. Bierman, Los Angeles: Center for Near Eastern Studies, UCLA 2000..
۹. Maginot Line خط دفاعی فرانسه برای محافظت از مرزهای شرقی خود در جنگ جهانی دوم بود که توسط آلمان‌ها خیلی آسان شکسته شد. ۱۰. برگرفته از کتاب:
- Firuzabad: Palace City of the Deccan, George Michell & Richard Eaton, Oxford University
۱۱. برگرفته از
History of Religion, 14, no2, (nov 1974), 117-127
۱۲. برگرفته از کتاب:
- Moral Conduct & Authority: The Place of Adab in South Asian Islam, Barbara Metcalf, Berkeley 1982. .
۱۳. برگرفته از کتاب:
Islam in Local Contexts, Vol.17, Leiden 1982 .
۱۴. برگرفته از کتاب:
- Understanding Bengali Muslim: Interpretive Essays, Rafiuddin Ahmad, Oxford 2000.
۱. برگرفته از:
Islamic & European Expansion: The Forging of a Global Order, Michael Adas, Tempel University 1993 .
۲. برگرفته از: History of Religion, 8, no.2, 1997 .
۳. ناگاہا (Naga) طایفه‌ای در هند هستند که در شمال شرقی این کشور زندگی می‌کنند. این طایفه غالباً تحت تأثیر مبلغان مسیحی در دوران استعمار از دین اسلام به دین مسیحیت تغییر کیش دادند. ناگاہا چند گروه‌اند به نام‌های آو (Ao)، انگامی (Angami)، سما (Sema).
۴. برگرفته از:
Autonomous History, Particular Truths: Essays in Honor of professor John R.W.Smail, Laurie J. Sears, Madison 1993, .
۵. برگرفته از:
Beyond Turk & Hindu: Shaping Indo-Muslim Identity in Premodern India, David Gilmartin & Bruce B. Lawrence, University of Florida .
۶. این مقاله از این منبع است: